

گذران

دفتر دوم

باغ داد و داغ بیداد

خاطرات چهل سال خدمت قضائے

نوشته

حسین شمسوارانی

۱۳۸۵

شهسوارانی، حسین، ۱۲۹۷ -

گذران عمر (دفتر دوم باغ داد و داغ بیداد چهل سال خاطرات
قضائی) / مولف، حسین شهسوارانی. - ساری: نشر پژوهشهای
فرهنگی، ۱۳۳۵.

۲۲۲ ص.: مصور، عکس.

I.S.B. N:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا (فهرست نویسی
پیش از انتشار).

۱ - شهسوارانی، حسین، ۱۲۹۷ -، خاطرات قضائی، الف، عنوان
چهل سال خاطرات قضائی، ب. عنوان. باغ داد و داغ بیداد. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۲۲۰۲

DSR ۱۵۳۳ / ش ۵ ک ۸

شناسنامه کتاب

نام کتاب: باغ داد و داغ بیداد

نویسنده: حسین شهسوارانی

طرح روی جلد: رعنا امینی بادیستاری صبا شهسوارانی - پشت جلد ستاره شمشیربندی

حروف چینی و صفحه آرایی: فاطمه رزاقیان

خوشنویسی: محسن عالی

لیتوگرافی چاپ و صحافی: صنعت چاپ ساری تلفن: ۲۲۶۰۹۶۶

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۸۴

تیراژ: ۲۰۰۰

قطع: وزیری

ناشر: انتشارات پژوهشهای فرهنگی

نشانی: ساری، بلوار دانشگاه، روبروی حوزه هنری، ساختمان یوسفیان، طبقه اول،

شابک: ۹۶۴-۶۹۱۲-۲۸-۱

نام کتاب و نقش جلد

نام کتاب: «باغ داد و داغ بیداد» (دفتر دوم گذران عمر)
برداشته شده، از گزارش بازدید داد گستری شهر هامبورگ آلمان
است، در صفحه ۳۳۱-۳۳۰ و بازتاب مقایسه دو شیوه و روش
ناهمگون و نقل آن به اختصار:

«... در این مقایسه نابرابر به خاطرم گذشت که اگر باغبان جامعه

ایران نیز، مردم و فرهنگ کشور را در جهت نیکو پرورش دهد:

همه جا باغ عدل و داد باشد و نشانی از داغ بیداد نماند.

نقش جلد: ترازوی عدالت، نماد جهانی عدل و داد و بی طرفی

قضات در داوری و صدور احکام قضائی است.

«فهرست مطالب ومقالات باغ داد وداغ بیداد»

«خاطرات دادگستری»

مقاله:	صفحه:
مقدمه - پروفیسور امین	
۱- بوزش خواہی	۱
۲- سرآغاز خدمت	۴
۳- دوران خدمت	۱۰
۴- حضور در اجتماع	۱۳
۵- یک شب بی خوابی	۱۵
۶- اولین پروندہ خارج شہر	۲۰
۷- پروندہ پرسرو صدا	۲۱
۸- آداب وعرف مازندران	۲۳
۹- سفر بہ سروگردن البرز...	۲۶
۱۰- میانجی خون ندارد	۳۲
۱۱- قاضی ایستادہ ونشستہ	۳۴
۱۲- درد ادگاہ آمل	۳۶
۱۳- نخستین پروندہ قتل	۳۷
۱۴- شکنجہ لکہ ننگ	۴۱
۱۵- ہراز خون آلود	۴۴
۱۶- بار دوم حضور در آمل	۴۵
۱۷- یاد دوران شکوہ دادگستری	۴۷
۱۸- خاطرات براکنندہ	۴۹
۱۹- بک نمونہ قدرت قانون	۵۰
۲۰- قدری کہ شاخص شکست	۵۲
۲۱- خاطرہ شیخ الملک اورنگ	۵۴
۲۲- بادی از ادیب پیشاوری	۵۶
۲۳- خاطرہ قندوشکر آمل	۵۷
۲۴- پنجہ در پنجہ زور مندان	۵۹
۲۵- در گرداب دشمنی ہا و	
۶۴- تحریکات گوناگون	
۶۹- حق شناسی مردم آمل	
۷۱- عروسی بی حضور داماد	
۷۳- پرسش بی پاسخ	
۷۶- یک چمدان تریاک	
۷۹- چلچراغ دادگستری	
۸۴- تعصیب رئیس نظام وظیفہ	
۸۶- زندگی خوش آمل	
۹۱- ایستگاہ جہ کنم	
۹۳- غریق دریا و عمر دوبارہ	
۹۴- غیرت و ہمت مردم آمل	
۹۶- انتقال از آمل بہ ساری	
۹۷- اجارہ نشینی	
۱۰۱- بازگشت بہ سخن	
۱۰۳- استعفاء از کار قضائی	
۱۰۴- نو سازی دادگستری ساری	
۱۱۰- باغ ملی دادگستری	
۱۱۳- سفر بہ ترکمن صحرا	
۱۱۶- روزگار سیاہ	
۱۱۸- کودتای ۲۸ مرداد	
۱۲۰- حملہ بہ استانداری	

«فهرست مطالب ومقالات باغ داد وداغ بیداد»

«خاطرات دادگستری»

مقاله:	صفحه:
۴۶- غوغای برداشتن عکس شاه	۱۲۲
۴۷- حمله اشراربه باز پرس ساری	۱۲۵
۴۸- توطئه چینی حکومت نظامی	۱۲۹
۴۹- خانم دکتر باغدا ساریان	۱۳۱
۵۰- یادی از مرحوم اشتری استاندار	۱۳۳
۵۱- برپایی سازمان امنیت	۱۳۶
۵۲- سازمان بازرسی شاهنشاهی	۱۴۳
۵۳- دادگستری استان مازندران	۱۴۶
۵۴- رد و قبول ریاست دادگاه جنائی	۱۴۸
۵۵- دادستانی استان مازندران	۱۵۲
۵۶- آزادی قاجاقچیان	۱۵۶
۵۷- مأموریت اصفهان	۱۵۸
۵۸- آداب قضائی	۱۶۰
۵۹- در ریاست دادگستری استان ...	۱۶۴
۶۰- نامه به قضات مازندران	۱۶۵
۶۱- حذف دفتر حضور و غیاب	۱۷۸
۶۲- طلسم اعظم	۱۸۰
۶۳- کشف سرقف مهم	۱۸۴
۶۴- برپایی خانه های انصاف	۱۸۵
۶۵- شاهپور عبدالرضا	۱۸۸
۶۶- دستگیری قاجاقچان بزرگ	۱۹۰
۶۷- کنگره رؤسای دادگستری	۱۹۲
۶۸- نایبست دردادگاه	۱۹۴
۶۹- قاضی وآداب پرهیزکاری	۱۹۶
۷۰- اخراج مهمان تازه وارد	۱۹۹
۷۱- برخاش ببر به شهر	۲۰۰
۷۲- پایان خدمت مازندران	۲۰۲
۷۳- آغاز خدمت دیوانعالی کشور	۲۰۵
۷۴- توضیحی اندک و کوتاه	۲۰۹
۷۵- وقفنامه سیدرکن الدین	۲۱۰
۷۶- روبه قضایی گه گه مهدی	۲۱۲
۷۷- کنگره اصلاحات اداری	۲۱۴
۷۸- مأموریت آذربایجان شرقی	۲۱۶
۷۹- ریاست دادگستری استان فارس	۲۲۰
۸۰- نامه به قضات استان فارس	۲۲۲
۸۱- نوسازی دادگستری شیراز	۲۳۴
۸۲- روش نوین	۲۳۶
۸۳- مراسم سلام (در شیراز)	۲۳۸
۸۴- پایگاه موشان اجتماعی قضات	۲۴۰
۸۵- دیدار بزرگان دین ودانش	۲۴۳
۸۶- چمدان خالی	۲۴۶
۸۷- بنیاد روان درمانی دکتر سلامی	۲۴۷
۸۸- سفر جهرم	۲۴۹
۸۹- برگشت از جهرم	۲۵۳
۹۰- تودیع دردانشگاه شیراز	۲۵۷

« فهرست مطالب و مقالات باغ داد و داغ بیداد »

« خاطرات دادگستری »

مقاله:	صفحه:
۹۱- در اداره کل تصفیه	۲۵۹
۹۳- پلاز سازی	۲۶۱
۹۴- میراشرافی	۲۶۵
۹۵- تلاش ناکام	۲۷۲
۹۶- ساختن شهرک داد گستری	۲۷۵
۹۷- قروند و دستان	۲۷۸
۹۸- یک شاخه گل	۲۸۲
۹۹- پیشنهاد استناداری فارس	۲۸۶
۱۰۰- میان گفتار	۲۹۱
۱۰۱- حکم اعدام در پرونده رزاق منش	۲۹۲
۱۰۲- سخن احمد بختیاری	۲۹۸
۱۰۳- مهمانی کانون و کلاء	۳۰۰
۱۰۴- نگاهی دیگر به پرونده بر آشوب	۳۰۱
۱۰۵- مهر مادری	۳۰۹
۱۰۶- رای اقلیت و سرانجام حکم اعدام	۳۱۳
۱۰۷- آزادی قضات در صدور احکام	۳۲۰
۱۰۸- گذران خدمت تا سال ۱۳۵۷	۳۲۶
۱۰۹- باز دیداد گستری مدینه	۳۲۷
۱۱۰- داد گستری هامبورگ	۳۳۰
۱۱۱- سر بر منی ثبت اسناد	۳۳۵
۱۱۲- کنگره شهرداران سراسر کشور	۳۳۷
۱۱۳- سر کشی ثبت اسناد خراسان	۳۴۴
۱۱۴- ثبت اسناد سازمان ناشناخته	۳۴۷
۱۱۵- سومین دگر گونی داد گستری	۳۵۷
۱۱۶- دستگیری قضات لنگرود	۳۶۰
۱۱۷- جلسه کراواتی ها	۳۶۱
۱۱۸- د کتر بهشتی در شهرک ...	۳۶۳
۱۱۹- د کتر بهشتی در ثبت اسناد	۳۶۴
۱۲۰- باز دید شخصیتی دیگر ...	۳۶۵
۱۲۱- هیئت تصفیه ثبت اسناد	۳۶۶
۱۲۲- کار نامه خدمت ثبت اسناد	۳۷۴
۱۲۳- پایه گذاران ثبت اسناد	۳۷۹
۱۲۴- خوشه چین	۳۸۹
۱۲۵- چرا باغبان شدم	۳۹۲
۱۲۶- پروانه و کالت در شیشه	۳۹۴
۱۲۷- سجده شکر	۳۹۶
۱۲۸- متن نامه استاد جمال زاده	۴۰۱
۱۲۹- نامه ای از سر لطف	۴۰۵
۱۳۰- نامه و چکامه تشویق آمیز ...	۴۰۸
۱۳۱- مشاغل دوران خدمت	۴۱۰
۱۳۲- واژه نامه	۴۱۲

فهرست تصویرها

- ۱- حسین شهبازانی - در مراسم سلام
 - ۲- شهبازانی با سالکی
 - ۳- پیشداد و فرزندان
 - ۴- قضات ساری در مراسم سلام
 - ۵- در سرفت شده امامزاده لاویج
 - ۶- رؤسای خانه‌های انصاف استان مازندران
 - ۷- کنگره خانه انصاف - مازندران (تهران)
 - ۸- خانه انصاف سورک - ساری
 - ۹- کنگره رؤسای دادگستری های کشور
 - ۱۰- وزیران دادگستری و رئیس دیوان کشور
 - ۱۱- جلسه مشاوره ماهانه قضات - شیراز
- پیوست صفحه ۱۰
- پیوست صفحه ۸۸
- پیوست صفحه ۹۳
- پیوست صفحه ۱۴۷
- پیوست صفحه ۱۸۴
- پیوست صفحه ۱۸۶
- پیوست صفحه ۱۸۷
- پیوست صفحه ۱۸۹
- پیوست صفحه ۱۹۳
- پیوست صفحه ۲۰۵
- پیوست صفحه ۲۳۳

تمدن درخشان عدل و داد حکومت و ملت

در ایران باستان

از بهارستان جا:

در تواریخ چنان است که پنج هزار سال سلطنت عالم به گبران
و مغان تعلق داشت و این دولت در خاندان ایشان بود زیرا که
بار عایا عدل می کردند و ظلم روانمی داشتند، و در خبر است که خدا
تعالی به داود علیه السلام وحی کرد که قوم خویش را بگوی که پادشاهان
عجم را بگویند و دشنام ندهند که ایشان، جهان را به عدل آبادان
کردند تا بندگان من در وی به فراغت زندگانی کنند.

مقدمه

به قلم پروفیسور سید حسن امین

مدیر و سردبیر ماهنامه حافظ و مؤلف تاریخ حقوق ایران

کتاب حاضر که با عنوان «گذران عمر» با «باغ داد و داغ بیداد» (خاطرات چهل سال خدمت قضایی) منتشر می شود، یکی دیگر از تالیفات سودمند و ممتع دوست دانشمند و پیش کسوت ما، استاد حسین شهبسوارانی است که مراتب فضل و فضیلت و سوابق خدمت و مکرمت آن وجود ذی جود، نیازمند تقریر و تحریر این بنده حقیر نیست. «غیبت الذکاء عن التعریف»، اگر من بخواهم در معرفی این پیر فرزانه و استاد پیش کسوت، سخنی به قلم آورم تنها مصداق این بیت مشنوی می شوم که:

مادح خورشید مذاح خود است که دو چشمم سالم و نافرمد است
پس به موضوع این کتاب که خاطرات قضائی استاد شهبسوارانی است به طور خاص و اهمیت این گونه آثار به طور عام، بسنده می کنم و از همان آغاز، پیشاپیش از محضر جناب شهبسوارانی بپوزش می خواهم که در این مقدمه زیره به کرمان و فطره به عمان می برم:

جایی که تویی جای سخن گفتن من نیست نه جای سخن گفتن من، جای سخن نیست

کتاب حاضر از مقوله تاریخ معاصر Contemporary History است. دانش تاریخ نیز یکی از دانش های اجتماعی و همسایه جامعه شناسی و مردم شناسی است. موضوع تاریخ، مبحثی انتزاعی نیست بلکه حوادث واقعی و رخدادهای حقیقی است. از این نظر، متون رسمی، تواریخ مدون و اسناد مکتوب (و به عبارت دقیق تر: as Recorded History «تاریخ ثبتی») بدون شواهد عینی و قرائن خارجی و واقعیت های خارجی قابل اعتماد نیست، بسا که اسناد رسمی و احکام قضائی اگر چه قطعی الصدور، (به اصطلاح عالمان علم اصول فقه) ظنی الذیالّه باشند؛ لذا برای احراز واقعیت های سیاسی، اجتماعی و قضائی، واجب است که علاوه بر متون رسمی و صوری (فرمال) به خاطرات فردی دست

اندر کاران هر رشته (از باب گزارش تحقیقات میدانی و به اصطلاح Research Field) نیز مراجعه شود زیرا تاریخ مدون، نه کل تاریخ، بلکه تنها بخشی از آن را در بر می گیرد.

نکته دانان و خرده بینان به نوشته های صوری موزخان رسمی فریفته نمی شوند و حقایق را از لایه لای منابع غیر رسمی و از مقایسه و مقارنه اخبار و گزارش های متضاد و متقابل استخراج می کنند. به همین دلیل، خاطرات رجال هر عصر برای آیندگان از بهترین منابع تحقیق است و نمونه آن ها خاطرات اعتماد السلطنه (وزیر انطباعات ناصرالدین شاه)، خاطرات حاج سبّاح محلاتی (جهانگرد آزادی خواه و اصلاح طلب)، خاطرات احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، خاطرات ظهیرالدوله (مؤسس انجمن اخوت)، خاطرات و تآلمات دکتر محمد مصدق (رهبر نهضت ملی کردن صنعت نفت)، خاطرات سید حسن تقی زاده (از رهبران مشروطیت)، خاطرات دکتر قاسم غنی (ادیب و حافظ پژوه و سیاستمدار عصر پهلوی)، خاطرات و خطرات مخبر السلطنه هدایت (وزیر و رجل سیاسی) و ده ها خاطرات دیگر، محل مراجعه و استفاده موزخان امروز است و به همین قیاس خاطرات بازمانده از شخصیت های سیاسی، اجتماعی، اداری، قضائی و فرهنگی امروز هم، بی شک، به عنوان مواد خام تاریخ عصر حاضر که برای تدوین تاریخ صحیح این روزگار مورد استفاده موزخان آینده قرار خواهد گرفت.

اکنون جای خُسر سندی و خوشحالی است که خاطرات قضایی استاد حسین شهسورانی نیز به سیاهه ی این دسته از خاطرات سودمند و باارزش رجال فرهنگی و دبوانی ایران (مانند خاطرات صدرالاشراف، عباسقلی گلشایبان، دکتر جلال عبده و ...) افزوده می شود اما از آنجا که خاطرات استاد شهسورانی به خلاف خاطرات دیگر نام آوران یاد شده به خدمات قضائی معظم له اختصاص دارد بی مناسبت نیست که در این زمینه گلیانی از باب «پس زمینه کلی» تاریخ حقوق به استحضار خوانندگان نکته دان اگر چه از مقوله حکمت آموختن به لقمان است، برسانم، تا ارزش علمی و تاریخی این کتاب بهتر و بیشتر شناخته شود.

«ب»

تاریخ به طور عام، به تعبیر هگل (Hegel ۱۷۷۰-۱۸۳۱) بزرگ ترین فیلسوف آلمانی قرن نوزدهم میلادی، مظهر تجلی عقل جهانی و نمابشگر سیر ترقی و تکامل انسان است، اما بر این نکته فیلسوفانه بی تردید باید این حقیقت را افزود که «تاریخ قضایی یک جامعه عمده ترین بخش از این سیر تکاملی و به عبارت دیگر مهم ترین قسمت «تاریخ تمدن» است زیرا هر گونه آگاهی دقیق و عمیق از سیر تطور و تکامل تمدن، مستلزم درک درستی از نهادهای حقوقی و قضایی مختلف در اعصار و قرون گذشته است چرا که صرف نظر از اسباب و عللی که موجب ظهور و سقوط دولت ها و فراز و فرود تمدن ها و فرهنگ های کهن در گوشه و کنار جهان شده است، در همه حال داشتن نوعی نظام حقوقی در مفهوم عام آن، لازمه ادامه هر گونه تمدن و مدنیته بوده و می باشد.

اولاً، نظام حقوقی مورد مطالعه در تاریخ تمدن، آن دسته از شیوه های رفتاری است که تخطی از آن ها موجب تنبیه متخلف از سوی مراجع صلاحیت دار جامعه شود، یعنی مجموعه قوانین و احکامی به صورت فروع و مقررات - که از سوی مراجع صلاحیت دار به منظور ایجاد نظم عمومی و حفظ منافع (حقیقی یا موهوم) جامعه یا هیأت حاکمه وضع شده و ضمانت اجرا Sanction داشته باشد.

ثانیاً، وجود هر گونه نظام حقوقی - اعم از بدوی و مترقی، ساده و پیچیده، نیک و بد، عادلانه یا ظالمانه مستلزم وجود «نهاد حل اختلاف» از طریق داوری یا «دادرسی» است که در نهایت اجرای نظام حقوقی آن جامعه را ضمانت و تأمین کند.

ثالثاً، حقوق دادرسی و قواعد شکلی ضامن اجرای قوانین ماهوی و قواعد موجد حق است و به عبارتی دیگر برای تفسیر و اجرای قانون در انواع و اشکال مختلف نظام های حقوقی، در کنار مرجع قانونگذاری که به تصویب قوانین ماهوی حقوق و تکالیف اعضای جامعه را معین می کند، باید مرجعی نیز برای دادخواهی و دادرسی یعنی تعیین تکلیف در موارد نقض قانون وجود داشته باشد.

موضوع خاطرات استاد شهسوارانی در کتاب حاضر، نه تنها بررسی چگونگی

پیدایش و تحول نهادهای حقوقی و قواعد و احکامی ست که در چهل ساله دوران خدمت قضایی ایشان بر جامعه ایران حاکم بوده است، بلکه کارکرد عملی و کنش ها و واکنش های عینی آنها در این برهه مهم از تاریخ است. به این دلیل، موضوع خاطرات قضایی استاد شهسوارانی مواد خام پراورشی برای بررسی مسیر و جریان حرکت ملت ایران در زمینه ایجاد و ایجاد قوانین حاکم بر جامعه و عوامل و ابزار اجرای آن قوانین به وسیله دادرسان و داوران و دادورزان در طول چهل سال خدمت قضائی معظم له به دست پژوهشگران امروز و فردا می دهد. مهم تر آن که موضوع خاطرات حاضر بخش ویژه ای از تاریخ معاصر می باشد که به تعبیر هگل «بخشی از زندگی یک قوم» و از «کل زندگی» آن قوم، جدایی کند و راهی به «تاریخ عمومی» می گشاید.

در اینجا ناگفته نمی توان گذاشت و گذشت که تاریخ قضایی ایران نه چهل سال، نه چهل قرن بلکه بیش از یکصد قرن است و آن را با لحاظ کردن مقسم ها و فسیم های مختلف می توان به دوره های متفاوتی با تأکید بر معیارهای گوناگون تقسیم کرد. به طور کلی و در مطالعات عمومی، ادوار قضایی در ایران را به سه دوره تقسیم باید کرد.

دوره ی نخست - از آغاز تاریخ تا سقوط ساسانیان (ایران باستان)

دوره ی دوم - از شکست ساسانیان تا انقلاب مشروطیت (عصر اسلامی)

دوره ی سوم - از انقلاب مشروطیت در ۱۳۲۴ ق / ۱۲۸۵ ش. که نظام سلطنت استبدادی قانوناً به سلطنت مشروطه تبدیل شد، تا انقلاب ۱۳۵۷ ش / ۱۹۷۹ م. که نظام سلطنتی را به نظام جمهوری تبدیل کرد. (دوره ی جدید)

حرمت تاریخ کهنسال ایران، مقتضی است که در مقدمه این کتاب که به برشی کوتاه از تاریخ دراز آهنگ فضا در ایران محدود است، به طور اختصار از این ادوار مهم به صورت رئوس مطالب سخنی کوتاه در میان آوریم:

۱- قدیمی ترین دوره (از حدود ده هزار سال پیش) - نخستین جوانه های نظام قضایی در حوزه تمدنی ایران، شامل ابتدایی ترین گردهمایی های قبیله ای و سازمان های کوچک

اجتماعی در حدود ده هزار سال پیش میان اقوام پیش آریایی بود که در ابتدایی ترین مراحل مدنیت، دارای حداقل تشکّل اجتماعی و اقتصادی بوده و به طور پراکنده در کوه ها و دشت ها به حالت پراکنده (با اتکاء صرف به شکار حیوانات وحشی و چیدن گیاهان و میوه ها برای تغذیه) می زیسته اند. بی گمان ساکنان فلات ایران در آن اوان هنوز نظام حقوقی، اداری، مالی و قضایی منسجمی نداشتند، اما اصول حقوق عمومی و خصوصی درون گروهی آن اقوام (مانند آیین های مربوط به روابط زناشویی و خویشاوندی، رسوم قراردادهای نهاتری و شیوه محاکمات و دادرسی های آنان) را به استناد اسطوره ها با افسانه های قدیمی آریایی و پیش آریایی می توان حدس زد. براساس نوعی بازنگری و باز آفرینی عقلی و استدلالی از این اسطوره ها و افسانه ها و توأم با بهره گیری از اکتشافات باستان شناختی می توان گفت که قانون در این عصر، با تابوهای قبیله ای و ذهنیات مذهبی سخت نزدیک بوده است و افراد همخون در یک خاندان بزرگ با اعضای یک عشیره و ایل و بعد ساکنان مختلف یک منطقه با فرهنگ و دین مشترک، تخلف از این قوانین را علاوه بر مسئولیت های این جهانی، مستوجب عقوبت اخروی و مکافات طبیعت در عالم قبر وبرزخ نیز می دانسته اند.

۲- شکل گیری نظام قضایی میان ساکنان پیش آریایی در گوشه و کنار خاک ایران از دوره نوسنگی به تقریب هشت هزار سال پیش که انسان به اهلی کردن حیوانات و کشت غلات روی آورد، آغاز شد، در این دوره اقوام پیش آریایی در گوشه و کنار فلات ایران - به خصوص در شرق کوه های زاگرس از جمله در «تپه ی گوران» در لرستان، «علی کش» در خوزستان، «چشمه علی» در تهران، «موهنجو دارو» در دره سند و «تورقان» در ترکستان شرقی و «گنج دره» در کرمانشاهان و نیز در حوالی جبرفت سکونت گزیدند. قدمت سفالینه های کشف شده در بعضی از این مناطق به ده هزار سال پیش (دوره ی مس) می رسد و بی گمان این توسعه صنعتی در سفالگری مستلزم وجود نظام های حقوقی و اقتصادی و اجتماعی مناسبی است که ما از چند و چون آن ها بی خبریم.

جالب‌تر آن است که سفالینه‌های کشف شده در «تپه‌ی سیلک» کاشان، «تپه‌ی حصار» دامغان، «تل باکون» در نزدیکی تخت جمشید و «تپه‌ی بزرگ شوش» در شوش دانیال در نزدیکی شوشتر که سابقه‌ی بعضی از آنها به شش هزار سال پیش می‌رسد و اشکال هندسی و تصویر حیوانات و شمایی از انسان بر آن‌ها نقش شده است، بیانگر مدنیتی قابل ملاحظه و مستلزم مجموعه قواعد و رسوم و عاداتی در تنظیم روابط جمعی است.

۳- نظام‌های حقوقی بومی در فلات ایران از حدود ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد تا آمدن آریاییان به این منطقه، در این دوره تمدن‌های بومی موجود در فلات ایران با تأثیرپذیری از تمدن‌های مجاور در میان رودان و سند به طور عام و با کشف خط میان سومری‌ها و با فاصله‌ای اندک در میان ایلامی‌ها در حدود ۳۲۰۰ پیش از میلاد به طور خاص - به کمال رسید. تمدن‌های بومی موجود در فلات ایران در عصر پیش آریایی با تمدن‌های مناطق مجاور موازی بود. برای مثال، تمدنی منسجم و لاجرم نظام حقوقی متناسبی در «شهر سوخته» در شرق دشت لوت در سیستان کنار دلتای رود هیرمند در سال‌های ۳۲۰۰ تا ۲۱۰۰ پیش از میلاد وجود داشت که جمعیتی بیش از پنج هزار (بین ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰) تن را در بر می‌گرفت و باشهرهای عیلام، میان رودان و سند مبادلات تجاری و فرهنگی داشت. اهالی این شهر افزون بر سنگ تراشی، سفالگری، بافندگی، شکار، صنیادی، کشاورزی به تجارت داخلی و خارجی می‌پرداختند. کشف هزاران قطعه اشیایی که با مردگان شهر سوخته در گورستان ایشان (در خارج از شهر) دفن شده است، نشان از درجه رفاه و ثروت بالنسبه بالای مردم این شهر می‌دهد، از جمله اشیای زینتی که بیشتر از سنگ‌های نیمه بهادر و ارداتی (لاجورد، عقیق، فیروزه) ساخته شده بعدها به عنوان صادرات به خارج از شهر سوخته فرستاده می‌شده است. پیداست که شهری با این درجه از مدنیت، رفاه و مراوده‌های بازرگانی و فرهنگی درون مرزی و برون مرزی می‌بایست یک نظام حقوقی بالنسبه منسجمی داشته باشد، تا جوابگوی این نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد.

«ج»

در این دوره نحوه ارتباط سیاسی، نظامی، حقوقی، بازرگانی و فرهنگی ایران با مراکز جمعیتی همسایه از جمله اکدی‌ها، سومری‌ها و مراکز تمدنی ماگان (عمان و مسقط امروز در ساحل جنوبی خلیج فارس) و ملوها (پاکستان امروز) نشانه‌ای بارز از وجود نظام‌های مناسب حقوقی و مخصوصاً حقوق بازرگانی و مبادله اجناس میان اقوام مختلف به شکل داد و ستدهای تهاتری است و در همین اوان، نخستین قانون مدون جهان در حدود دو هزار و صد سال پیش از میلاد در سومر تدوین گردید. بعدها، در حوالی ۱۷۶۰ پیش از میلاد - حمورابی پادشاه بابل قوانین موجود در بابل را مدون کرد، الواح این قوانین پس از فتح بابل به دست عیلامی‌ها در حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد و تثبیت حاکمیت عیلامی‌ها بر کل میان رودان، به شوش (پایتخت عیلامی‌ها) منتقل و در آنجا رایج شد. قلمرو عیلام در برگیرنده جلگه خوزستان امروزی شامل منطقه شوش و مناطق مرتفع شمالی آن تا شهر باستانی وانشان بود. قدمت لوحه‌های رُسی کشف شده در شوش به چهار هزار و اندی سال پیش می‌رسد. مهم‌تر آن که هم‌ردیف و هم‌طراز با شوش، شهر کهن انشان (انزان) در نزدیکی بیضای فارس نیز از مراکز عمده تمدنی عیلامی‌ها بوده است و به همین دلیل در لوحه‌های سارگون اکدی ۲۳۳۴ تا ۲۲۷۹ پیش از میلاد از وانشان یاد شده است. این مرکز تمدنی از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که کوروش کبیر پس از فتح بابل در ۵۴۰ پیش از میلاد خود را شاه انشان خوانده است و همین تعبیر نشان می‌دهد که در بیرون از فلات ایران، معروفیت انشان به مراتب بیش از وبارس، (خاستگاه هخامنشیان) بوده است.

۴- نظام قضایی آریایی‌ها و اقوام هند و ایرانی و شیوه‌های ویژه رفع اتهام و اثبات حقانیت بر اساس باورهای همگانی و آیین‌های دینی پیش از ظهور زرتشت را از نوشته‌های دینی و گزارش‌های تاریخی باید کشف کرد. در مثل باج‌گزاری اقوام آریایی و ساکن در بیرون از مرزهای غربی دولت آشور (در شمال شرقی عراق و در غرب رود فرات) بیانگر وجود نظام حقوقی و اداری بومی کارآمدی در آن زمان در فلات ایران برای گردآوری این باج و خراج و تسلیم آن به دولت آشور است.

۵- شکل‌گیری نظام قضایی و توسعه نهادهای دادرسی قومی و منطقه‌ای مادی و پارسی و سپس انسجام بیشتر آن‌ها در اثر اتحاد مادی‌ها و پارسی‌ها در امپراطوری بزرگ هخامنشی و صدور منشور حقوق بشر کوروش پس از فتح بابل در ۵۴۰ پیش از میلاد و در نهایت قانون‌گذاری‌های داریوش که به سراسری شدن نظام حقوقی هخامنشی منجر شد.

۶- تحولات ناشی از حمله اسکندر به ایران و حکومت سلوکیان و تأثیر فرهنگ یونان بر اقوام مختلف ساکن فلات ایران و سرانجام برآمدن نظام ملوک‌الطوایفی اشکانیان، شاهد تحولات جدیدی در نظام قضایی ایران شد.

۷- استقرار نظام حقوقی منسجم زرتشتی در پی برآمدن اردشیر بابکان و اتحاد دین و دولت در قلمرو شاهنشاهی ساسانیان در اثر رسمیت یافتن کیش زرتشتی در عصر ساسانی و تأثیرات حقوقی آن بر ایران توأم با اصلاحات مالیاتی انوشیروان.

۸- سقوط ساسانیان بر اثر حمله تازیان به ایران و گسترش تدریجی دینان اسلام در ایران و کشورهای مجاور و شکل‌گیری نهادها و آیین‌های حقوقی و قضایی اسلامی در ایران در نظام حقوق عمومی اسلام، حق حاکمیت به ویژه تشریع (قانون‌گذاری)، ناشی از خداوند تلقی می‌شد. پیامبر اسلام در زمان حیاتش مسئول ابلاغ احکام شرع و اجرای آنها و نیز رسیدگی به دعاوی (یعنی تصدی هر سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه است) و این حق پس از پیامبر به جانشینان وی می‌رسد. این انتقال حاکمیت نیز به قول اهل سنت از طریق بیعت (انتخاب اهل حل و عقد) و به قول شیعه از طریق نصب و نص است. به هر صورت شکل حکومت در اسلام نه جمهوری و نه سلطنتی است. قوانین و احکام شرع ثابت و لا یتغیراند، اما حاکم حق دارد یک سلسله قوانین اداری و سازمانی به عنوان احکام حکومتی وضع کند.

۹- سقوط خلافت اموی و بر سر کار آمدن خلفای عباسی در بغداد همزمان با بازگرفتن حکومت‌های نیمه مستقل ایرانی و ترک در ایران که به نهادینه شدن فقه اهل سنت انجامید. در این دوره با سذب باب اجتهاد، مکتب‌های حقوقی به مذهب‌های چهارگانه فقه اهل سنت (حنفی، شافعی، حنبلی، مالکی) محدود شد و از طرف دیگر، منابع ثانوی حقوقی (یعنی

منابعی افزون بر آیات الاحکام: آیه‌های حقوقی قرآن مجید) نیز که از آن به سنت / حدیث تعبیر می‌شد، تدوین، تهذیب و تحریر گردید. سنت عبارت بود از قول، فعل و تقریر پیامبر / معصوم.

۱۰- سقوط خلافت عباسی به دست مغول که به موقوف شدن نظام شرع (فقه اهل سنت) و تحمیل نظام اداری و دیوانی مغولان موسوم به یاسای چنگیزی و یاسای غازانی از یک سوی و نزو کات تیموری نوأم با عرض اندام رسمی فقه شیعی در برابر فقه اهل سنت و توسعه تدریجی فقه اهل شیعی از سوی دیگر منجر شد.

۱۱- صفویه با اعلان مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران، فقه شیعی را برای اول بار به طور کامل در سراسر ایران با ضمانت اجرای قانونی به مرحله اجرا در آوردند و نظام قضائی متمرکزی بر اساس تفکیک صلاحیت‌های شرعی از عرفی ایجاد کردند که با تغییرهای اندک تا اواسط قاجاریه ادامه یافت. دوران سلطنت صفویه از جهت قضایی به سلطنت سامانیان شباهت داشت و حتی مرزهای ایران هم به آن دوران رسید و قدرت روحانیون نیز افزایش یافت.

۱۲- انقلاب مشروطیت در ۱۳۲۴ ق / ۱۲۸۵ ش. با تأثیرپذیری از نظام‌های سیاسی و قوانین اساسی کشورهای اروپایی، نظام سیاسی استبدادی را که اراده و میل شخصی شاه (یا والی و حاکم محلی) رادر مجازات بی‌گناهان یا بخشش و عفو گناهکاران بر احکام شرع و عرف مقدم می‌داشت، برانداخت و با تأسیس نظام سلطنت مشروطه پارلمانی، نظام سلطنت استبدادی را که شاه با اخذ مبالغی مقطوع از داوطلبان حکومت ابالات و ولایات، دست والیان و حاکمان منصوب از طرف دولت رادر چگونگی اداره محل حکومت خود آزاد می‌گذاشت، به نظامی قانونمند تبدیل کرد. عوامل عمده این تحولات ساختاری در نظام حقوق عمومی ایران، عبارت بود از: اصلاح طلبان و قشرهای شهرنشین قدرتمندی همچون بازرگانان، دیوانیان و عالمان دینی.

اصلاح طلبانی چون میرزا ملکم خان، مستشارالدوله، طالبوف، آخوندزاده و دیگران،

«قانون» را شرط اول اصلاحات سیاسی، حقوقی و اجتماعی می دانستند. به قول ملک اصلاحات قانونی هم حق مردم را حفظ می کرد و هم قدرت دولت را افزایش می داد. چنین بود که به شرح اولین «قانون اساسی سلطنت قاجار» علاقه مندان به تدوین قوانین جدید، در عرض یک هفته و یکصد و هشتاد قانون^{۱۲} را به عنوان قانون اساسی سلطنت استبدادی ناصرالدین شاه تنظیم کردند و مدعی شدند که این قانون به حکم ساحری، ایران را به یک گلستان مبدل کرده است.

پس از شکست اصلاحات عصر ناصری، مقتضیات جذب اقتصاد جدید صنعتی توأم با اهداف دموکراتیک و سکولار اصلاح طلبان و تجددخواهان، به مبارزه عمومی برای اخذ عدالت خانه و مصلحت خانه منجر شد. سرانجام با تصویب قانون اساسی مشروطیت، نظام حقوقی جدیدی در ایران بر اساس سلطنت مشروطه پارلمانی تعطیل ناپذیر (با به رسمیت شناختن مذهب شیعه و تفکیک حوزه صلاحیت های شرع و عرف) استوار شد که برابر متمم قانون اساسی به تفکیک قوای سه گانه (مقننه، قضاییه، مجریه) و استقلال این قوا از یکدیگر حکم می کرد و شاه را از مسئولیت میزبانی می دانست؛ بلکه چون بر اساس قانون اساسی مشروطیت، قوای مملکت ناشی از ملت بود، برای نخستین بار اصل حاکمیت ملی و حکومت دموکراتیک را (از نظر تفوریک) در ایران پایه گذاری کرد. از آن پس، ایرانیان دیگر «رعایای شاه نبودند و به «شهروندان» تبدیل شدند.

۱۳- ایجاد نظام متمرکز پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سرانجام انتقال سلطنت از سلسله قاجار به سلسله پهلوی در ۱۳۰۴ که به تأسیس دولتی مدرن و متمرکز با نهادهای نوین حقوقی و تدوین و تصویب قوانین جدید به تقلید از نظام های حقوقی اروپایی و تجدید ساختار اجتماعی و عرفی شدن کامل نظام حقوقی و قضایی انجامید. در این دوره، صلاحیت قضایی از مراجع سنتی محلی (روحانیون و رؤسای عشایر) سلب و به تشکیلات جدید قضایی سراسری (عدلیه) منتقل گردید. اما این اصلاحات اگر چه از بزرگ ترین تحولات عصر پهلوی بود، به علت طبیعت نظام سیاسی حاکم که آزادی شهروندان و

استقلال قضات را بر نمی‌تابید، به نتایج مطلوب که بسط عدالت و توسعه قضایی است، منجر نشد. به همین دلیل هم پس از سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰، تعداد زیادی از مسئولان انتظامی و امنیتی عصر رضا شاه در همان دادگستری تعقیب و محاکمه شدند که استاد شهسوارانی خود در مقام دانشجوی حقوق ناظر بعضی از این محاکمات بوده‌اند و خاطرات آن را ماهنامه‌ی حافظ مرقوم داشته‌اند.

خلاصه سخن آن که کتاب خاطرات استاد حسین شهسوارانی مربوط به چهل سال خدمت قضایی معظم‌له از ۱۳۲۶ تا ۱۳۶۴، شامل؛ سراسر دوران سلطنت محمدرضا شاه و چند ساله آغازین نظام جمهوری اسلامی ایران، یکی از غنایم ادبی و ذخایر تاریخی برای تدوین تاریخ قضایی ایران به دست پژوهشگران حال و آینده است. صاحب این قلم در پایان این مقدمه، به نوبت ناقابل خویش، انتشار این خاطرات ارزشمند را به جامعه حقوقدانان ایران و دوستان دانشگاهی و همکاران مطبوعاتی تبریک گفته و از حضرت آقای شهسوارانی به دلیل اهتمامی که به خواش این بنده و دیگر اهل قلم (از جمله پیش کسوتانی هم چون استاد محمدعلی جمال‌زاده و استاد محمد ابراهیم باستانی باریزی و هم چنین فرهیختگان و عزیزانی همانند: جناب آقای بهمن بیگی، جناب آقای غلامرضا کبیری (سحر) و جناب آقای سیروس مهدوی) نسبت به گردآوری خاطرات خواندنی خود مبذول داشته‌اند، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم و می‌گویم: «چنین کنند بزرگان، جو کرد باید کار»

برای استاد شهسوارانی و خاندان خوب و خدوم شان طول عمر توأم با سلامت و عزت و برای ملت ایران سرفرازی و افتخار آفرینی آرزو می‌کنم.

«سید حسن امین»

تهران - اردیبهشت ۱۳۸۴»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس و بوزش

فرمانبری و انجام دستور دوستان ارجمندی که از سال‌ها پیش، فراهم آوردن دفتر خاطرات خدمت قضائی این حقیر را امر و توصیه می‌فرمودند، انگیزه‌ای شد که سال‌های گذشته دفتر خاطراتِ پراکنده، پیش از خدمت در دادگستری به عنوان پیش درآمد آغاز گردید به این امید که مجموعه‌ای شامل هر دو دفتر در مدت کوتاهی قلمی شود.

مشکلات شخصی و اشتغالات روزمره زندگی مانع بود که با نظم و انضباط معقول، تحریر این دفتر ادامه داشته باشد، ناچار در فرصت‌های گاهگاهی و غیرمستمر به طور گسیخته چند برگه به قلم می‌آمد و دنباله‌گیری آن ناخواسته رها می‌شد و نزد همان عزیزانی که سرانجام کار را جویا می‌شدند شرمنده بودم.

از دوستان و سرورانی که به تشویق آنها تحریر این دفتر آغاز شده بود و انجام و اتمام آن را خواستار بودند، ادیب و شاعر ارجمند مازندران آقای غلامرضا کبیری و سحر و همچنین خوبشاوند گرمی و مهربان آقای سید رضا حسینی بار و باور دوستان و بستگان و بازوی انجمن کبیر (اراک‌های مفیم تهران) پیوسته پی‌جوی پایان یافتن آن بودند.

نویسنده نامی و شیرین قلم ایران حضرت محمد بهمن بیگی، بزرگمرد ابل قشقائی مشعل افروز فرهنگ عشایر ایران که به خدمات ناچیز من در مأموریت شیراز نظر لطف و مهرآمیز دارد، با همان صداقت و آزادسخنی و منش پسندیده و پاکیزه‌ایلی تأخیر این خاطره‌نگاری را ناشی از وسواس ادبی و مسامحه کاری من می‌دانست و آمرانه اتمام آن را خواستار می‌شد.

حضرت استاد دکتر باستانی‌پاریزی مرشد و پیشوای قبیله بزرگ نویسندگان و محققان علوم

اجتماعی و تاریخ نگاران در هر دیدار به ضرورت این گونه یادداشت‌ها تأکید داشته و می‌فرمودند: مسئولان و مباحثان خدمات قضائی در طول خدمت دادگستری با گسترده‌ترین لایه جامعه و مسائل و مشکلات گوناگون مردم سرو کار دارند و خاطرات خدمتی آنها برای اهل تحقیق که از جزئیات درون این سازمان آگاهی کامل ندارند منبع و مرجع سودمندی است، و ادامه این خاطره‌نگاری را تشویق و توصیه می‌فرمود.

از میان فرزندانم بیشتر از همه دکتر سینا و خواهر هوشمندش مینا (پژوهشگر جاده ابریشم) خواستاران خانگی بودند که سامان یافتن این دفتر را ترغیب می‌کردند. با اینکه دفتر اول در سال ۱۳۷۴ آغاز شده بود پیش نویسی این دفتر (دفتر دوم) در سال ۱۳۸۱ پایان یافت.

دکرو و درج پاره صفحات در چند جای هر دو دفتر نشان دل مشغولی از تأخیرهای ناخواسته است.

با اینکه از کودکی تا آستانه جوانی و پس از آن تا کنون از تنبلی و سهل‌انگاری به دور بوده‌ام، تأخیر چند ساله موجب و مایه ملال خاطر شده بود.

در بهمن ماه سال جاری (۱۳۸۲) توقف طولانی و اضطراری در شهر ساری این فرصت را فراهم آورد که پاک‌نویس و تحریر نهایی دفتر دوم آغاز شود.

خوشبختانه به همت و کوشش صمیمانه خانم فاطمه رزاقیان، منشی و مسئول نرم‌افزار مرکز مطالعات ایرانی در پایگاه فرهنگی و کتابخانه دوست گرامی، ادیب و محقق ارجمند آقای سبروس مهدوی، مؤسس و مدیر محترم فصلنامه اباختر این فرصت پدید آمد که این دفتر پایان پذیرد، و رضایت و خشنودی خاطر دوستان عزیزی که تحریر این دفتر را تأکید داشتند، به دست آید و در این موفقیت از سعی جمیل و صبر و حوصله و دقت نظر بانوی فرزانه و هوشمند خانم رزاقیان در تحریر نهایی و آماده ساختن این دفتر سپاس فراوان دارم.

آماده‌سازی این دفتر در حال کم‌مجال و بی‌فرستی و با آن تأخیر طولانی بی‌شبهت به

کار کساحل نماز ان نیست که به جای نمازهای نخوانده شده و از یاد رفته، نماز قضا به جای می آورند، آن اندازه تند و شتاب زده که در شب زنده داری شب های ارحیای ماه رمضان چندین شبانه روز نماز قضا را در چند ساعت لیالی قدر سر و دست شکسته انجام می دهند. واضح و روشن است که این گونه نیایش و نمازگزاری قدر و منزلت و طمأنینه و آرامش خاطر و حضور ذهن و شکوه معنوی و طراوت روحی نمازهای پنجگانه اول وقت را ندارد. فراهم آوردن این دفتر در تنگنای کم وقتی و بی فرصتی و شتاب زدگی، به جای آوردن همان نماز قضا و یا نماز شکسته مسافران است.

صرف نظر از اینکه در سیاه مشق های پیشین و چاپ شده این قلم به دست خطاهای ادبی و تحریری فراوان است، متن پیش نویس این دفتر نیز از خطاهای قلمی و آشفتگی و از هم گسیختگی مطالب برکنار نیست و پیراستن و حک و اصلاح خطاهای ادبی و قلمی به علت آکم وقتی و بی فرصتی و نارسایی قلم شکسته این حقیر مقدور نگردید و نتوانست در حد دلخواه به رفع معایب یعنی همان پیراستن مطالب که کتاب نویسان این روزگار آن کار را ویراستاری می گویند، بپردازد.

ناچار از درگاه خداوندان سخن و بزرگان قلم و ادب پوزش می خواهم که خطاهای فراوان این دفتر را بر این نگارنده ببخشند، چون با همه کاستی ها و با همه عیب و نقص، این دفتر پریشان به درگاه دوستان «برگ سبزی است تحفه درویش» و به سخن دیگر گویای این عذرخواهی و پوزش است که:

«گردسته گل نیاید از ما هم همه دیگ را بشانیم»

به نام داور و پرورده‌گار دادگر سراغاز خدمت قضائی از بانک ملی به دادگستری

در خرداد ۱۳۲۵ با شروع امتحانات آخرین سال دانشجویی که تا اواخر تیرماه ادامه داشت و گذراندن امتحانات و اتمام آن، به حکم ضرورت از قبله و مسجدالاقصایی پاک و پاکیزه و مطهر دانشجویی به کعبه امید و آرزوهای دور و دراز دادگستری می‌بایست روی بگردانم، برای حفظ سابقه و آثار قانونی چند سال اشتغال در بانک ملی در تقدیم درخواست خدمت دادگستری، در کمال صداقت، کارمندی بانک را اعلام کردم. به همین جهت لازم بود که از بانک ملی استعفا بدهم و پذیرش استعفا را به دادگستری تقدیم دارم. تشریفات این کار چند ماه طول کشید و سرانجام اشتغال به کار قضائی پس از صدور ابلاغ به اول تیرماه ۱۳۲۶ کشید.

خاطرات تلخ و شیرین بیش از سه سال حضور در بانک ملی و آن موش و گربه‌بازی و زیربازی رفتن و غیبت‌های ناموجه برای حضور در کلاس درس دانشکده و مصاحبت با همکاران یکدل و مهربان بانک و آن گردش‌های گروهی با آنان در روزهای تعطیل و پر کشیدن به کوهستان پس قلعه شمیرانات و سبزه به درهای کرج را با همان دوستان و خاطره یادگیری خدمات بانکی همه را پشت سر می‌گذاشتم، همین خاطرات شیرین و زیبای روزگار دانشجویی با آن دگرگونی افکار سیاسی و نظرات تازه اجتماعی، آن دورهم بودن در سایه درختان پر طراوت دانشگاه تهران و طلبه‌بازی در تمرین درس‌ها که دسته جمعی روی چمن‌ها و کنار آبگیرها بساط دفتر و کتاب را پهن می‌کردیم و آن جزو بحث‌های پر جنجال سیاسی آن روزگار و سحرخیزی‌هایی که سپیده دم بامدادان از چهارراه خیابان مولوی و خیابان امیریه تهران پیاده به سوی دانشگاه تهران می‌رفتم و باد و خاطره روزهای امتحان که باز پیاده با عبور از

نوار دوردیف درختان سبز و خرم کنار خیابان پهلوی آن زمان که من آن گذرگاه را دالان بهشت می‌نامیدم و از آنجا در بیابان و راهگذر جاده همان خیابان که تا تجربیش ادامه داشت، صبحگاهان به قریه و روستای یوسف آباد با همدرسان می‌رسیدیم و در قلعه و باغ و آسیاب گاومیشی، آن‌ده که تنها جای آباد آنجا بود و در قهوه‌خانه همان قلعه و استخر بزرگ قنات یوسف آباد، صبحانه می‌خوردیم و به کار درس و دفتر و کتاب می‌پرداختیم و در همان روزهایی که در آب کرج تنها محل و مکان آباد آن زمان و خارج تهران زیر سایه درختان بید بسر می‌بردیم، همه این یادبودها را به مخزن حافظه می‌سپردیم. یاد شبهای دور و دراز زمستان که تا دیر هنگام در همان تالار مجلل و زیبای باشگاه دانشگاه با یکی دوتن همدرسان درس‌ها را مرور می‌کردیم و گاهی هم برای برگشت به خانه و خروج از محوطه دانشگاه با درهای بسته و برف سنگین روبرو می‌شدیم و به نیروی جوانی و عشق و ذوق و جست و خیزی که داشتیم مثل قرقی سبکیال و بی‌هراس از برف و سرما، از بالای نرده آهنین و استوار دانشگاه که هنوز کمی از آن باقی است، می‌کشیدیم و سرخوش و شتابان پیاده به خانه می‌رسیدیم. با پایان یافتن دوران دانشجویی که در آن روزگار بهترین دوران زندگی جوانی و دانشجویی در ایران بود دور و جدا می‌شدیم و در آستانه خدمت قضائی دادگستری به دنیای تازه و دامان اجتماع و زندگی تازه روی می‌آوردیم. چون شناگری که از رودخانه‌ای بزرگ و دور و دراز خود را به دریا رسانده که شناگری دریا را نیز بیاموزد و تجربه کند.

در چنین وضع و حالی برای استخدام به دادگستری رفت و آمد داشتم، اشتغال در سمت‌های قضائی و اداری در تهران به کلی ممنوع بود. با یک رتبه اضافی (رتبه چهار قضائی) فقط داوطلبان برای شهرستان‌ها پذیرفته می‌شدند و هر داوطلب در تقدیم درخواست و مدارک لازم و تعیین محل خدمت با کارگزینی دادگستری سروکار پیدا می‌کرد.

برحسب نظم آن زمان نخستین مراجعه را هر داوطلب در دیدار رئیس کارگزینی پیش روی خود داشت به اطاق رئیس کارگزینی مراجعه کردم، مردی خوش روی و خوش سخن عینکی، در اطاقی مجلل، خوش لباس و کراوات زده، گرم و مهربان مراجعین را پذیرا بود. در نخستین دیدار، دریافتم که آقای رئیس کارگزینی همان آقای فرهنگ است که چند سال پیش زمانی که شاگرد کلاس اول و یا دوم دبیرستان بودم (پیش از ترک تحصیل) در یک

ماه رمضان در لباس و کسوت روحانی و با عبا و عمامه به اراک آمده بود و در مسجد آقاضیاء نزدیک میدان ارک روزها منبر می‌رفت، سخنان و منبر او شیرین و پرجاذبه بود، اشعار زیادی را به هر مناسبت پیوند و چاشنی وعظ و خطابه خود می‌کرد، به یاد آوردم که در همان زمان چکامه مفضل و مسقط گونه ادیب الممالک فراهانی را اولین بار در منبر او شنیده بودم، بند اول آن مسقط چنین آغاز می‌شد:

بر خیز شتر بانا بر بند کجاوه کاز چرخ عیان گشت همی رایت کاوه
و رشاخ شجر برخاست آوای چکاو دردیده من بنگر دریاچه ساوه
و از سینه‌ام آتشکده فارس نمودار

در خاطرم گذشت که به شنیدن همان چکامه و پای همان منبر مرحوم حاج شیخ عبدالحمید انجدانی شوهر عقیقه‌ام که مدرّسی ادبیات مدرسه آقاضیاء واعظ و اهل منبر بود، و در مجالس وعظ و خطابه همین آقای فرهنگ حاضر می‌شد. با شنیدن اشعار ادیب الممالک به یافتن دیوان ادیب فراهانی علاقه‌مند شد و من با مراجعه به کتاب فروشی‌های اراک، دیوان تازه چاپ او را که وحید دستگردی به چاپ رسانده بود روزهای بعد به دست آوردم و چند روز دیگر، حاج شیخ عبدالحمید تمامی آن مسقط را در سن هفتاد سالگی از حفظ می‌خواند و من هم تمامی آن را به حافظه سپرده بودم. همه آن خاطرات در لحظه دیدار آقای فرهنگ رئیس کارگزینی دادگستری در ذهن و ضمیرم گذشت و به یاد آوردم که من در همان زمان از سر نادانی و خامی با پست شهری نامه‌ای با امضاء مستعار برای همان واعظ خوش سخن و خوش گفتار فرستاده بودم که در وعظ و خطابه خود از بی توجهی مردم و مسئولان دولتی به مدارس قدیمی که از رونق افتاده بودند سخن بگوید و چون همه روزه در جمع شاگرد مدرسه‌ها و مؤمنان اهل دعا و نماز به مسجد می‌رفتم و آن سال‌ها «سجاده‌نشین باوقاری بودم» چند روز بعد از همان نامه پستی که فرستاده بودم ایشان درخواست نامه نویسنده ناشناس را در منبر و سخنان خود مطرح کرد و مطالبی در آن زمینه بیان داشت. از دیدار آن واعظ سخور سال‌های پیشین و این آقای فرهنگ رئیس کارگزینی باوقار دادگستری که برای تعیین و انتخاب محل خدمت در یکی از شهرستان‌ها به خدمت او رسیده بودم به وجد آمدم، بدون این که کمترین اشاره‌ای به گذشته داشته باشم و در دل خود از این دیدار و تحول و تغییر لباس او شگفت‌زده و شادمان

بودم و این دگرگونی منحصر به شخص او نبود.

در سراسر ایران و بر اثر برنامه و نوآوری و نوسازی رضاشاهی این گونه تحوّل و تجدّد فراگیر و همه جایی شده بود. در همان سال های کودکی ما بچه های ده - دوازده ساله ناظر و شاهد انجام و اجرای قانون اتحاد شکل بودیم و شرح مفصل آن و در اوراق دفتر اول قبلاً به قلم آمده و تکرار آن زائد است.

در آن نوسازی فرهنگی و اجتماعی دوران رضاشاه شاخه مهم آن، ساماندهی دادگستری ایران بود همان سازمانی که اولین و مهم ترین خواست و پایه و اساس جنبش نهضت و انقلاب مشروطه ایران بود و به آن امیدها بسته بودند و در قانون اساسی همان نهضت، آن را بنیان نهادند و در دوره های اول تا چهارم مجلس ملی ایران بافت پیکره آن را پی ریزی کردند.

علی اکبرخان داور وزیر لایق عدلیه ایران و تحصیل کرده سوئیس در عهد رضاشاه که به نوسازی دادگستری پرداخت، از دانشمندان و رجال روحانی دعوت کرد که مقامات قضائی را بپذیرند و عده ای را هم با گذراندن امتحاناتی در سمت های مختلف دادگستری و ثبت اسناد به کار گمارد. اشتغال شخصیت های بلند پایه ای از قبیل: آسید نصرالله تقوی، میرزا مهدی آشتیانی، ادیب و فیلسوف سرشناس ایران، آشیخ محمد عبده، حائری شاه باغ، عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری کابینه مرحوم دکتر مصدّق و بسیار مردان فاضل و متشخص دیگر و همچنین گروه بلند پایه دیگر تحصیل کرده دانشگاه های بزرگ فرانسه - سوئیس و دیگر کشورهای اروپا، مسئولیت های مهم قضائی و اداری دادگستری و ثبت اسناد را عهده دار شدند. خاطره خدمات برجسته هر یک از این شخصیت ها و رشادت و تقوا و پارسائی آنها به حافظه تاریخ سپرده شده است.

این گونه مردان پرورده حوزه های مختلف روحانیت و عالمان معارف اسلامی، در کنار استادان نامدار پرورده تمدّن و دانش متعالی و مترقی اروپا و دست پروردگان دانشکده حقوق

دانشگاه تهران پیکره دادگستری ایران را ساخته و پرداخته بودند و چنین بود که با وجود لجاج و ستیزه‌جویی قدرت‌های درونی و برونی که با دادگستری داشتند، در همان سال‌هایی که ما نوجوان‌های تازه‌کار رو به سوی دادگستری داشتیم، دادگستری بر همه سازمان‌های دولتی برتری معنوی و سروری داشت. گروهی از این گونه مردان دانشور و پرورش یافته حوزه قم و اصفهان و مشهد و دیگر شهرها با گذراندن امتحانات ورودی به سازمان تازه تأسیس ثبت اسناد و املاک راه یافتند.

ادیب و شاعر نامدار اراک، اسماعیل فردوس فراهانی، در گیر و دار همین امتحانات ورودی که امتحان کتبی و شفاهی کتاب کلبه و دمنه هم یکی از مواد امتحانی بوده، به تعریض و کنایه، گله‌گذاری کرده بود که با گذراندن تحصیلات عالی فقه و اصول و فلسفه و ادبیات باید کلبه و دمنه را امتحان دهد. با چاپ و درج غزل او در روزنامه ناهید تهران، شاعران دیگر در تهران با سرودن اشعاری به سرزنش و توبیخ او پرداخته بودند و یک نوع جنجال ادبی و مطبوعاتی برپا شده بود.

مطلع غزل فراهانی این بیت بوده:

بگوبه شیخ که اوراق فقه بر باد است بخوان کلبه که هنگام ثبت اسناد است
دامنه این جنجال ادبی به حوزه علمیه قم هم کشیده شده بود و به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، رئیس حوزه قم این گونه القاء و اغوا کرده بودند که مخاطب فراهانی در غزل و کلمه شیخ شخص او بوده و نظر داشته که حوزه روحانیت را تخطئه کند، فراهانی برای رفع شبهه و پاسخ دادن به غزل مجابی شاعری که با همان وزن و قافیه در روزنامه ناهید به فراهانی تاخته بود و او را ملحد خوانده بود در غزل دیگری به دفاع از خود پرداخت که در همان روزنامه درج شده بود و یک بیت این است:

ز درد دین نه مرا خوانده ملحد آن شاعر ز فقر قافیه محتاج لفظ الحاد است
غیر از استاد فردوس فراهانی گروه دیگری از همین گونه مردان دین و دانش به ثبت اسناد با گذراندن امتحانات راه یافتند و در آن سازمان به مسئولیت حساس گمارده شدند و برجسته دانا‌بان و خردورزان دیگری هم به مدارس جدید و ادارات معارف و اوقاف دوران حکومت رضاشاهی دعوت شدند و گروهی از آنان به مقام استادی دانشگاه رسیدند و نامور و پایه‌گذار

فرهنگ نوین ایران شدند از قبیل: علامه استاد جلال همائی، سید کاظم عصار، فاضل تونی، و استاد بهمنیار و نامداران دیگری از قبیله عالمان دین و دانش آن روزگار که یادشان به خیر باد.

در آن روزی که برای تعیین محل خدمت به حضور آقای فرهنگ رسیدم که او هم از همین دودمان بود و شرحش گذشت. شیوه رفتار او با مراجعین به این صورت بود که حاضران را به ترتیب ورود به اطاق، که دور تا دوزخشته بودند، در یک صندلی نزدیک خود فرامی خواند و سخن هر یک را می شنید و جوابی می گفت و یادستوری می نوشت.

پرونده و درخواست استخدام مرا پیش روی خود داشت و از من پرسید در کدام شهرستان برای خدمت مایل هستی؟ به نقشه ایران که بالای سرش بود اشاره و عرض کردم به غیر از شهر اراک که زادگاه من است و اشتغال در آن شهر را به لحاظ تشنجات و دستبندی های مالکان بزرگ صلاح نمی دانم و به غیر از نواحی جنوب ایران که طاقت گرما ندارم در هر نقطه و شهر دیگری حاضر به قبول خدمتم. چند روز بعد با مراجعه به اداره سازمان کارگزینی معلوم شد که ابلاغ عضویت علی البدل دادگاه شهرستان اردبیل به نام من در دست صدور است.

در همان روزها که به انتظار ابلاغ به کارگزینی سری می زدم و از رفتن به اردبیل هم دغدغه خاطر داشتم، چون از کودکی سرما ترس بودم از سرمای زمستان اردبیل سخت تر از سرمای اراک پیش خود تن لرزه داشتم، برحسب اتفاق آقای عبسی مؤیدی رئیس دادگستری بابل را که برای انجام امور جاری دادگستری به تهران آمده بود دو سرسرای کارگزینی یافتم، نزد او رفتم و چون پیش از آن مراندیده بود و ناشناس بودم پس از سلام و معرفی از وضع و حالم جو یا شد همین که شنید قرار است به اردبیل اعزام شوم، گفت در دادسرای بابل محل دادباری خالی است به جای اردبیل بهتر است به بابل بیایی. به سابقه همشهری بودن که خود و دودمانش اهل اراک بودند در کارگزینی محل خدمت مرا برای بابل پیشنهاد کرد، دو سه روز بعد دفتر کارگزینی ابلاغ دادباری بابل را با امضاء آقای موسوی زاده وزیر دادگستری، به دستم دادند از دلهره سرمای اردبیل آسوده خاطر، و چند روز بعد روانه مازندران شدم.

گاهی بساط کارخودش جور می شود گاهی به صد مقدمه ناجور می شود

فردوس فراوانی،